

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی
سال سوم - زمستان ۱۴۰۲ - شماره پانزدهم - ص ۲۵ - ۴۲

بررسی کلامی وضعیت اخباری گری و تاثیر اعتقادات آنها

محمد حیدری^۱

چکیده

منظور از اخباریه فرقه ای از علما امامیه در دوران متاخر است که با استناد به روش و عمل سلف صالح (محدثان و حدیث گرایان) اخبار اهل بیت را مهمترین ماخذ در عقائد حتی در اصول دین، اخلاقیات و احکام شرعی می دانند و به روش های اجتهادی و رجالی متاخران بویژه آنچه که مبنایی جز عقل نداشتند با شد به دیده انتقاد می نگرند و در استنباط احکام اصول فقه را به گستردگی اصولیان به کار نمی گیرند. روش این پژوهش به صورت تحلیلی و توصیفی و منابع آن نیز به صورت کتابخانه‌ای و به روش فیش برداری انجام شده است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی اخباری گری و اعتقادات آنان درباره مسائل همچون توحید، امامت، مسائل عقلی و احکام و ... بود که با انتقاد اصولیون مواجه شدند و نگارنده به تمامی پاسخ آنان اشاره نموده است.

کلیدواژه: اخباری گری، پیدایش، احادیث، اعتقادات، حشویه، نقد.

^۱. مقطع دکتری استادیار، رشته کلام، دانشگاه امیرالمؤمنین(ع)، اهواز، ایران. a9398568517@gmail.com

مقدمه

سه نظریه در پیدایش اخباری گری وجود دارد :

نظریه اول : اخباری گری از زمان اهل بیت وجود داشته است .

موید این نظریه کلام استرآبادی است که راویان و اصحاب اهل بیت را جز مکتب اخباری می داند :

علی بن ابراهیم بن هاشم قمی صاحب تفسیر قمی و محمد بن یعقوب کلینی صاحب اصول کافی و علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی و فرزندش محمد بن بابویه معروف به شیخ صدوق صاحب من لایحضره الفقیه و جعفر بن محمد معروف به ابن قولویه صاحب کامل الزیارات بلکه محمد بن حسن شیخ طوسی صاحب تهذیب و استبصار و همین طور افرادی که نزدیک به زمان معصومین می زیسته اند و یا از اصحاب آنان بوده اند از قدمای اخباریان محسوب می شوند^۱.

شیخ یوسف بحرانی نیز پیدایش مسلک اخباری گری را به شیخ صدوق نسبت می دهد و از او به رئیس اخباری ها تعبیر می کند.^۲

اما شیخ حر عاملی صاحب و سائل الشیعه پا را فراتر نهاده و این تعبیر را برای پیامبر خدا و امامان معصوم به کار می برد. مانند این عبارت : رئیس اخباریان پیامبر اسلام و بعد او ائمه اطهار بوده اند زیرا آنان عمل به اجتهاد نمی کردند بلکه در احکام به طور قطع به اخبار عمل می کردند و به پیروی از ائمه یاران خاصشان و بعد شیعیان در زمان ائمه به اخبار عمل می کردند.^۳

نظریه دوم : اخباری گری مکتبی نوظهور است

بسیاری از اصولیان و مجتهدان اخباری گری را مکتبی نوظهور می دانند و معتقدند که شیوه اصحاب ائمه با اخباری ها تفاوت دارد و برخی مانند محقق کاظمی نه فقط افرادی مانند شیخ طوسی را اخباری نمی داند بلکه اخباری بودن شیخ کلینی و صدوق را هم به شدت رد می کند.^۴

شهید مطهری در این باره می گوید : اخباری گری سه چهار قرن از عمرش بیشتر نمی گذرد و این نغمه را اولین بار محمد امین استرآبادی بلند کرد.^۵

نظریه سوم : تفاوت میان اخباریان گذشته و متاخر

^۱ الفوائد المدنیه ص ۴۰ و ص ۱۳۵

^۲ الحدائق الناظره ج ۱ ص ۱۷۰

^۳ الفوائد المدنیه ص ۴۰

^۴ کشف القناع ص ۲۰۷

^۵ مطهری اسلام و مقتضیات زمان ج ۱ ص ۱۴۳

محمد تقی اصفهانی در این باره می فرماید: شیوه اخباریون گذشته مانند اخباریون زمان ما نبوده است بلکه اختلاف آنان با اصولی ها ... تنها در این بود که اصولی ها به فروع جدید فقهی می پرداختند و از دقت نظر و توان استنباط قواعد کلی و تفریع فروع بر اصول برخوردار بودند. ولی عده ای دیگر از علمای آن زمان راوی اخبار و صاحب کتب روایی بودند و از مضمون روایات و موارد یکه در نصوص آمده فراتر نمی رفتند بلکه در غالب موارد برطبق مضمون روایات و متون اخبار فتوا می دادند و به فروع غیر منصوص نمی پرداختند و بسیاری از آنان اهل نظر نبودند و در مسائل علمی تعمق نداشتند که به اخباریون معروف بودند.^۱

شهید صدر: فرق هست میان اخباری گری به عنوان یک مسلک و شیوه فقهی که مرحوم استرآبادی مؤسس آن است و بین اخباری گری به عنوان یک مرحله از مراحل رشد فقهی. قبل از تالیف المبسوط توسط شیخ طوسی فقها به ذکر متن روایات به عنوان حکم مسائل اکتفا می کردند و از محدوده متن روایات خارج نمی شدند و به حکم فروع خارج از روایات نمی پرداختند اما شیخ طوسی که در المبسوط لبه اعتراض هایش متوجه همینهاست پا را از این فرا تر نهاد و به فروع خارج از روایات نیز پرداخت و آن ها را بر قواعد کلی تطبیق کرد.^۲

نتیجه گیری: اما به نظر می رسد اخباری گری یک مکتب نوظهور است به ریاست امین استرآبادی همانطور که شهید مطهری فرمودند زیرا در عصر حضور اصحاب ائمه فقط راوی حدیث نبودند بلکه فقیه و متکلم هم بودند مانند هشام بن حکم، زراره، محمد بن مسلم و ... به گونه ای که در یک زمان مباحث رایج در بین مسلمانان مباحث کلامی بود لذا اهل بیت هم در این مباحث شرکت کرده و اصحاب خود را توجیه می نمودند.

زمینه های پیدایش اخباری گری

از جمله مواردی که در پیدایش اخباری گری موثر هستند می توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف: نیاز به حدیث برای اثبات مذهب تشیع

در قرن دهم و یازدهم با سرکار آمدن صفویان و ترویج مذهب تشیع در سرزمین ایران و جلب مردم به این مذهب به ویژه در فضای رقابت با اهل سنت ترویج حدیث عاملی بسیار مهم در گرایش به حدیث در دوران صفویه به حساب می آید. و از طرف دیگر تبلیغ هر مذهبی نیاز به نصوص دینی دارد و نقش حدیث در بازسازی ماهیت شیعه باعث بالا رفتن ارزش حدیث در نگاه شاهان صفوی و عالمان دینی می شد.

^۱ هدایه المسترشدين ج ۳ ص ۶۸۷

^۲ المعالم الجديده للاصول ص ۸۰

ب: نفوذ تصوف

یکی از عواملی که موجب ترویج حدیث گرائی بود پیدایش تصوف و گرایش مردم به گرایش های صوفیانه بود که به جای روایت و عقل به مباحث اشراقی می پرداختند. از این رو عالمان شیعه برای دفع خطری که از ناحیه تصوف احساس می کردند نیاز مند به پرداختن به حدیث بیش از پیش بودند زیرا در برابر کسانی که عقل را قبول ندارند نمی توان با استدلال عقلی روبه رو شد پس برای یافتن پاسخی از جنس مستندات صوفیان چاره ای جز استفاده از احادیث نبود.

ج: راه نمائی های میرزا محمد استرآبادی استاد محمد امین استرآبادی

ملا محمد استرآبادی استاد و پدر خانم محمد امین استرآبادی بود که از روش اجتهاد دست کشید و با نفوذ معنوی خود محمد امین استرآبادی را به روش اخباری گری دعوت کرد. عبارت محمد امین: تا آنکه نوبت به اعلم علما متأخرین در علم حدیث و رجال و با ورع ترین آن ها استاذ الكل فی الكل میرزا محمد استرآبادی نورالله مرقدہ الشریفه رسید پس ایشان بعد از آنکه جمیع احادیث را به فقیر تعلیم کردند اشاره کردند که:

(احیای طریقه اخباریان بکن و شبیهاتی که معارضه با این طریق دارد رفع آن شبیهات بکن چرا که این معنی در خاطر می گذشت لکن رب العزه تقدیر کرده بود که این معنی بر قلم تو جاری شود.) پس فقیر بعد از آنکه جمیع علوم متعارضه را از اعظم علمای آن فنون اخذ کرده بودم چندین سال در مدینه منوره سر به گریبان فکر فرو بردم و تضرع به درگاه رب العزه کردم و توسل به ارواح اهل عصمت می جستیم و مجددا نظر به احادیث و کتب عامه و کتب خاصه کردم از روی کمال تعمق و تامل تا آنکه به توفیق خدای بزرگ و برکات سید المرسلین و ائمه طاهرین به اشاره لازم الاطاعه امتثال نمودم و به تالیف الفوائد المدنیه موفق شدم که این کتاب به مطالعه شریف ایشان مشرف شد پس تحسین این تالیف کردند و ثنا بر مولفش گفتند.^۱

اصحاب حدیث

در قرن سوم و چهارم متکلمان برای بیان معارف دینی به استدلال های عقلی تمسک می کردند که در مقابل آن ها گروهی بودند که در استدلال های خود فقط بر نقل و حدیث تکیه می کردند که از آن ها به اصحاب حدیث تعبیر می شود. در میان اصحاب حدیث گروهی با گرایش شدید به نص و افراط در تعبد به ظاهر نصوص نیز بودند که حشویه خوانده می شدند. این گروه در نقل اخبار منضبط نبودن و هر حدیثی را نقل می کردند و قصد آن ها جمع آوری احادیث و نقل آن ها بود اما معرفتشان نسبت به محتوای احادیث کم بود و کمتر در مضمون احادیث تدبر می کردند.^۲

^۱ دانش نامه شاهی

^۲ المعبر فی شرح المختصر ج ۱ ص ۲۹

حشویه

حشویه بر فرقه‌ای از عامه (اهل سنت) اطلاق می‌شود که به هر خبری، هر چند متناقض عمل می‌کنند و به ظواهر قرآن، هر چند مخالف با دلیل قطعی تمسک می‌جویند. این فرقه همان افراطیون اهل سنت هستند و به نظر عقلی بی‌اعتناء بوده و این نظرات را بدعت می‌دانند.^۱ این عده برای یاری رساندن به عقائد باطل خویش به جعل حدیث روی آورده و جعل حدیث را وسیله‌ای برای هدف خود انگاشته بودند. صاحبان عقاید خاص افراطی موسسین اولیه این فرقه محسوب می‌شوند. آنها به مجلس درس حسن بصری حاضر شده و به وی اشکال می‌نمودند و حسن بصری نیز ایشان را به حاشیه مجلس خود رانده بود و از این جهت به «حشویه» معروف شدند. احمد حنبل و حامیان او به حشویه خوانده می‌شدند. نویسندگان عقاید افرادی مانند مضر و کهمس و احمد هیجی از روسای مشبهه را به عنوان حشویه معرفی می‌کنند.^۲ صاحب بن عباد، بخاری صاحب مهمترین کتاب صحیح اهل سنت را حشوی خوانده است.^۳

جعل روایات مبنای علمی حشویه

ماهیت علمی حشویه جز عمل به روایات جعلی نیست. وجهه این فرقه در این روش شناخته می‌شود. تمام عقائد ابراز شده در این فرقه به نحوی با روایات جعلی ارتباط دارد. از جمله قول به تحریف قرآن و عدم عصمت انبیا و... این منحرفین جعل روایت را به خاطر یاری رساندن به عقائد خویش، جایز می‌دانستند و از جمله روایاتی که جعل نموده‌اند روایاتی است که برای امامت ابی بکر ذکر می‌کنند.^۴

عقاید حشویه

در بُعد اعتقادی قائل به جبر و جسمیت و شباهت خداوند به خلقش می‌باشند. آنان خداوند را به داشتن دست، گوش و چشم تو صیف کرده و م صافحه با او را روا، و تقلید در اصول دین را جایز می‌شمارند.^۵

^۱ معتزلی ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۳۷۴

^۲ شوشتری قاضی نورالله الصوارم المهرقه ص ۱۰۹

^۳ شکر الالوسی ابوالمعالی محمود مسائل الجاهلیه التي خالف فيها رسول الله اهل الجاهلیه ص ۱۸۱

^۴ عبدالرحمن بن یحیی التنکیل بمافی تانیب الکوثری من الاباطیل ج ۲ ص ۵۴۷

^۵ شهرستانی ملل و نحل ج ۱ ص ۱۲۰

^۶ ذهبی سیر اعلام النبلا ج ۱۶ ص ۵۱۲

^۷ شوشتری قاضی نورالله الصوارم المهرقه ص ۱۰۹

^۸ کثیری محمدالسلفیه بین اهل السنه و الامامیه ص ۱۷۰

^۹ محقق حلی عفر بن حسن معارج الاصول ص ۱۹۹

در کلمات برخی فقها، عنوان حشویه بر کسانی که به هر حدیثی عمل می‌کنند نیز اطلاق شده است. لیکن اطلاق رایج عنوان یاد شده همان معنای نخست می‌باشد که موضوع این مقاله است. با شناخت نظریات حشویه، روش بی‌اساس ایشان شناخته خواهد شد. معتقدات حشویه معمولاً بدترین و سخیف‌ترین نظریات در بین مسلمین است.

خدا شناسی در حشویه

آنها معتقدند که خداوند در جهت بالاست و خدا روز قیامت دیده می‌شود و کفار نیز می‌توانند خدا را ببینند.^۱ ایشان به معرفیات خدا پرداخته و معتقدند که او جسمی غیر اجسام شناخته شده است و برای او اعضاء و جوارحی مانند انسان در نظر می‌گیرند. تماس و دست دادن و در آغوش گرفتن خدا را برای مخلصینی که در دنیا خدا را زیارت می‌کردند روا می‌دانند.^۲ مکان خدا را نیز مشخص نموده‌اند به این صورت که خداوند را در عرش می‌دانند و قائلند که خدا بر عرش نشسته است.^۳

قرآن از دیدگاه حشویه

یکی از مسائلی که میان مسلمانان ایجاد اختلاف نموده، شبهه قول به تحریف است. این شبهه سابقه طولانی دارد و با روایات جعلی که توسط حشویه فراهم گردیده، ارتباط می‌یابد. حشویه گروهی از اهل حدیث هستند که جز به گردآوری و نقل حدیث به چیز دیگر نمی‌اندیشند، از هر کس و هر کجا نقل حدیث می‌کنند و به محتوای آن و این که آیا متناقض است یا نه، و با اصول شریعت تطابق دارد یا نه، توجهی ندارند. از این رو، در فرآورده‌های اینان، باطیله و ضلالت‌های فراوانی وجود دارد. از آن جمله، روایات جعلی است که در باره تحریف قرآن نقل کرده‌اند. بنابراین حشویه با مبنایی باطل، قرآن را تحریف شده می‌دانستند^۴ علاوه بر این ورود الفاظ بی‌معنی را در قرآن و سنت جایز می‌شمردند.^۵

^۱ محقق حلی جعفر بن حسن المعتبر ج ۱ ص ۲۹

^۲ ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۳۷

^۳ ایچی، عضد الدین عبد الرحمن بن احمد، المواقف، بیروت، دار الجیل، الطبعة الاولى، ۱۹۹۷، ۳ مجلد، ج ۳ ص ۷۱۵

^۴ ایچی میرسید شریف المواقف ج ۸ ص ۳۹۹

^۵ طباطبائی سید محمد حسین تفسیر المیزان ج ۱۲ ص ۱۰۸

^۶ شکری الالوسی ابوالمعالی محمود مسائل الجاهلیه التي خالف فيها رسول الله اهل الجاهلیه ص ۱۸۰

عقاید حشویه در مورد انبیاء

حشویه و بسیاری از سنیان اهل حدیث، بر انبیا کبائر و صفات را روا می‌دانند (معصیت صغیره و یا کبیره، عمدی و سهوی و خطائی) از این بدتر، معاصی را برای انبیاء عظام اثبات می‌کنند در توضیح این عقیده شیعی می‌گویند:

انجام معصیت کبیره مانند زنا و لواط تو سبب انبیاء قبل از نبوت روا است. برخی از ایشان در زمان نبوت نیز روا می‌دانند به جز دروغ در شریعت ولی عده‌ای از این فرقه دروغ در شریعت را برای انبیاء به طور مخفی جایز دانسته‌اند و برخی در هر حالت دروغ در شریعت را بر انبیاء جایز می‌دانند. این فرقه خطا را برای انبیاء در اقوال و اعمال روا می‌دانند و یوسف را نسبت به همسر عزیز مصر خائن معرفی می‌کنند. معتقدند که داود، اوریا را به جنگ فرستاد که کشته شود تا همسر او را به نکاح خود درآورد.^۴

رسول الله (ص) را قبل از بعثت گمراه و کافر می‌دانستند^۵ معتقدند که رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) در تبلیغ دین خطا کرده است.^۶

حشویه و ولایت بنی امیه

این عده با اینکه نسبت به انبیاء و اوصیا الهی و رسول الله (علیهم السلام) توهین می‌کنند اما نسبت به بنی امیه ولایت و محبت دارند و از نسبت‌های ناروا به بنی امیه خشمناک می‌شوند. ایشان از قاتلین عثمان بیزاری جسته و آنها را لعن می‌کنند. پیروی از معاویه و بنی امیه را واجب می‌دانند. امامت و ولایت را برای بنی امیه می‌دانند و به هیچ وجه امامت را برای فرزندان رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) نمی‌دانند اگر کسی در مورد عمرو عاص و معاویه و امثال اینها حرفی بزند و معاصی و اعمال قبیح ایشان را ذکر کند، ناراحت شده و غضب می‌کنند و می‌گویند که این اکاذیب رافضه (شیعیان علی (ع) است که بر صحابه دشنام می‌دهند).^۹

^۱ مجلسی محمد باقر بحار الانوار ج ۱۱ ص ۹۰

^۲ علم الهدی سید مرتضی تنزیه الانبیا ص ۱۶

^۳ ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۷ ص ۱۹

^۴ ج ۲۰ ص ۳۲ ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه

^۵ همان

^۶ همان ج ۷ ص ۱۸

^۷ معتزلی، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص

^۸ مجلسی محمد باقر بحار الانوار ج ۴۴ ص ۱۶۵

^۹ ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۲۰ ص ۳۳

دشمنی حشویه با امیرالمومنین

این فرقه، کسانی که با امیرالمومنین علی (علیه السلام) به جنگ پرداختند مانند خوارج و اهل جمل و صفین را کافر نمی دانند.^۱

عده ای از ایشان معتقدند که کار اهل جمل صحیح بوده و عده ای دیگر قائلند که ایشان مجتهدانی به خطا رفته هستند و خطایشان بخشیده می شود.^۲

آنها منکرین نص نبوی بر ولایت امیرالمومنین علی (علیه السلام) هستند و نیز امامت بلا فصل ایشان بعد از نبی اکرم (ص) را بر امیرالمومنین علی (علیه السلام) انکار می کنند. ظالمین و غاصبین خلافت (ابوبکر، عمر و عثمان) را غاصب نمی شمردند و به ولایت این ظالمین تن داده اند و این ظالمین گنهکار را اهل بهشت می دانند.^۳

حشویه و معصیت فرشتگان

آنها ابلیس را از جمله ملائکه می دانند و معصیت او را راهی برای امکان صدور معصیت از ملائکه می دانند.^۴ معتقدند که هاروت و ماروت (دو تن از ملائکه) شراب خورده و شخصی را نیز کشتند و با زنی به نام ناهید زنا کردند و خدا آن زن را به صورت ستاره ای در آسمان به نام ناهید (زهره) مسخ نمود.^۵ می گویند ملائکه بر خدا اعتراض نمودند و اعتراض از اعظم ذنوب است. ملائکه به بنی آدم نسبت قتل و فساد دادند که غیبت است و غیبت از گناهان کبیره است. ملائکه صفت رذیله عجب را داشتند. زیرا گفتند ما تو را تسبیح و تقدیس می کنیم. ملائکه از خدا عذر خواهی نمودند که نشانه گناه کردن است. ملائکه از دروغگویان بودند و در علم خدا شک داشتند.^۶

عقاید ضد عقل در فرقه حشویه

تقلید در اصول عقائد را جایز می دانند بلکه عده ای از ایشان واجب می دانند.^۷

برخی از حشویه قائل هستند که خدا، اطفال کفار را عذاب می کند.^۸

موضع مکتب وحی

^۱ شیخ مفید الافصاح فی الامامه ص ۱۲۰

^۲ ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۴ ص ۲۴

^۳ شیخ مفید اوائل المقالات ص ۴۰

^۴ حلی حسن بن یوسف الالفین ص ۳۳۹

^۵ ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۴۳۷

^۶ مجلسی محمد باقر بحار الانوار ج ۱۱ ص ۱۲۴

^۷ مجلسی محمد باقر بحار الانوار ج ۶۶ ص ۱۳۳

^۸ مجلسی محمد باقر بحار الانوار ج ۵ ص ۲۹۷

مکتب اهل بیت به عنوان حافظان شریعت و قرآن، با تمامی عقائد سخیف حشویه و بسیاری از اهل سنت به مخالفت برخاسته‌اند و این بر کسی از منصفین اهل سنت نیز مخفی نمی‌باشد.

احکام حشویه

حشویه در صورت التزام به لوازم اعتقادات خود که مستلزم انکار خداوند است، نجس و کافرند و احکام کفر بر ایشان جاری است^۱. بنا بر قول مشهور، مسلمانان هر چند در اعتقادات و مذهب با هم متفاوت باشند، از یکدیگر ارث می‌برند. البته آن که محکوم به کفر و نجاست است، مانند ناصبی از مسلمان ارث نمی‌برد^۲. برخی قدما گفته‌اند: بدعت گذاران از معتزله، خوارج و حشویه از مسلمانان ارث نمی‌برند^۳.

مبانی اخباری گری یا اعتقادات آن ها

از مهمترین مبانی اخباریان، از چند مطلب می‌توان یاد کرد و در مقابل با ذکر ادله اصولیان می‌توان به ارزیابی خوبی از این مبانی دست یافت.

وجود حکم الهی در هر چیز

به اعتقاد اخباریان هر واقعه‌ای که تا روز قیامت برای امت اسلامی پیش بیاید هر چند جزئی، حکم معینی دارد و خداوند آن را در قرآن نازل کرده و حکمش را برای پیامبر (ص) بیان کرده است. اخباریان به آیاتی از قرآن مانند: ما فرطنا فی الكتاب من شیء (انعام ۳۸) و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء (نحل ۸۹) و ولارطب و لایابس الا فی کتاب مبین (انعام ۵۹).

و به روایاتی مانند: امام باقر (ع): ان الله تبارک و تعالی لم یدع شیئاً یحتاج الیه الامه الی یوم القیامه الا انزله فی کتابه و بینه لرسوله و جعل لکل شیء حداً و عل علیه دلیلاً یدل علیه. (بصائر الدرجات ج ۱ ص ۶۳ ح ۳ - الکافی ج ۱ ص ۵۹ ح ۲)

در این مبنا اصولیان و اخباریان هم نظرند زیرا خداوند احکام همه چیز را بیان کرده و این به آن معنی نیست که همه آن احکام به ما رسیده است و برای ما فعلیت دارد.

اما گروهی از اخباریون با تمسک به همان روایت بالا گفته‌اند هر چیزی حکم فعلی دارد لذا باید عند الشک احتیاط کرد.

^۱ آملی، شیخ محمد تقی، مصباح الهدی، ج ۱، ص ۴۱۰-۴۰۹

^۲ نجفی جوهری محمد حسن جواهر الکلام ج ۳۹ ص ۳۱

^۳ شیخ مفید المقتنه ص ۷۰۱

^۴ الفوائد المدنیه ص ۲۸

در مقابل اصولیان با تمسک به برائت و روایت امام باقر (ع) : ما حجب الله علمه علی العباد فهو موضوع عنهم (کافی، ج ۱ ص ۱۶۴ ح ۳) آن احکامی که نزد ائمه باقی مانده است یا اینکه بیان کرده اند اما به ما نرسیده است دیگر از امت در مقام ظاهر برداشته شده است و اصل برائت جاری است .

نهی از عمل به غیر علم

اخباریان با تمسک به آیاتی که نهی از عمل به ظن می کند و همچنین روایاتی که نهی از عمل به غیر علم می کند و فتوا دادن بر طبق روایاتی که خبر واحد هستند را فتوی به رای می دانند و مشمول نهی در این آیات و روایات می دانند :

از جمله آیات : ام تقولون علی الله ملال تعلمون (بقره ۸۰) وما يتبع اکثرهم الاظنا ان الظن لا یغنی من الحق شیئا (یونس ۳۶)

از جمله روایات :

امام باقر (ع) : من افتی الناس بغير علم و لاهدی لعنته ملئکه الرحمه و ملائکه العذاب و لحقه و زرمین عمل بفتیاه . (کافی ج ۱ ص ۴۲ باب النهی عن القول بغير علم ح ۳)

امام صادق (ع) : ایاک و خصلتین ففیهما هلك من هلك : ایاک ان تفتی الناس برایک او تدین بما لا تعلم . (کافی ج ۱ ص ۴۲ باب النهی عن القول بغير علم ح ۲).

در مقابل اصولیان پاسخ داده اند :

- خود ظاهر این روایات و آیات دلیل ظنی هستند و اگر ظن حجت نباشد ظاهر این آیات و روایات هم حجت نخواهند بود .
- ما دلیل بر حجیت ظن خاص داریم
- احتیاط کردن در همه شبهات موجب عسر و حرج می شود .
- خود شما عمل به ظن را در شبهات موضوعیه جایز می دانید و هیچ فرقی بین موضوع و حکم نیست اگر در شبهه حکمیه عمل به ظن جایز نیست در موضوعیه هم نباید جایز باشد اما شما جایز می دانید ^۱.
- آن اطلاقاتی که از عمل به ظن نهی کرده اند با ادله اعتبار ظن خاص تقیید خورده اند .
- چون ظنون خاصه با ادله قطعیه معتبر شده اند لذا عمل به آن ها عمل به ظن نیست و عمل به علم است .
- در زمان غیبت باب علم (معصومین) بر ما مسدود است اما باب علمی و ظنی مفتوح است و هنگامیکه باب علم مسدود باشد عقل حکم می کند که به دلیل علمی (ظن خاص) عمل شود.

^۱ الفوائد المدنیه ص ۹۰

وجوب احتیاط در شبهات

اخباریان معتقدند که در شبهات حکمیه باید احتیاط کرد و برای خود به روایاتی تمسک می کنند :
امام صادق (ع) : انما الامور ثلاثه : امر بین ریشه فیتبع و امر بین غیه فیجتنب و امر مشکل یرد
علمه الی الله و رسولہ . قال رسول الله (ص) : حلال بین و حرام بین و شبهات بین ذلک فمن ترک
الشبهات نجا من المحرمات و من اخذ بالشبهات ارتکب المحرمات و هلک من حیث لا یعلم . (کافی ج ۱ ص ۶۸ ح ۱۰)

امام صادق (ع) : فان الوقوف عند الشبهات خیر من الاقتحام فی الهلکات . (کافی ج ۱ ص ۶۸ ح ۱۰) صدر
حدیث بالا است .

پاسخ اصولیان :

پاسخ نقضی : شما در شبهات موضوعیه قائل به اباحه و براءت هستید و عمومیت این روایات را نمی
پذیرید .

پاسخ حلی : این روایاتی که دلالت بر احتیاط می کنند ارشادی هستند یا اینکه حمل بر استحباب
می شوند زیرا در مقابل آن ها ادله از کتاب و سنت بر اباحه در شبهات دلالت دارند مانند حدیث رفع
: رفع عن امتی ما لا یعلمون - ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم - کل شیء مطلق حتی
یرد فیه نهی و

در نتیجه در شبهات حکمیه باید براءت اری کرد و عمل به استحباب یا مستحب است یا اوامر
احتیاط ارشادی هستند و هیچ عقاب و ثوابی ندارند .

اعتقاد اخباریان نسبت به کتب روائی

اخباریان معتقدند که همه روایات کتب اربعه قطعی هستند و کتب اربعه مانند :

- الکافی شیخ کلینی
- من لایحضره الفقیه شیخ صدوق
- تهذیب الاحکام شیخ طوسی
- الاستبصار شیخ طوسی

از جمله بزرگانی که همچین اعتقادی دارند مانند :

محمد امین استرآبادی، محمد تقی مجلسی، شیخ حسین کرکی، شیخ حر عاملی، محدث نوری و
برخی از اصولیان مانند : شهید اول ایشان در کتاب الذکری در بحث استخاره به روایتی مرسل برمی

^۱ الفوائد المدنیه ص ۵۲، لوامع صاحب قرانی ج ۱ ص ۱۰۰، وسائل الشیعه ج ۲ ص ۳۶، روضه المتقین ج ۱ ص ۲۸،
خاتمه المستدک الوسائل ج ۳ ص ۴۶۳

خورد و می فرماید: از سال این روایت ضرری ندارد چرا که کلینی در الکافی و شیخ در التهذیب آن را ذکر می کند.^۱

نائینی^۲، سید مرتضی نیز می فرماید: بیشتر روایات اصحاب ما که در کتب ماست متواترند و به صحت آن ها قطع داریم و آن دسته از روایاتی که متواتر نیستند قرائنی همراه آن ها است که دلالت بر صحت آن ها دارد پس این اخبار موجب علم و قطع است هر چند در کتب ما به صورت خبر واحد ذکر شده باشند.^۳

دلایل صحت کتب اربعه

برای آشنائی با دلایل صحت اخبار کتب اربعه ابتدا به دو مقدمه اشاره می شود:

مقدمه اول: راویان اهل بیت (ع) روایاتی را که از ائمه (ع) دریافت می کردند را در جزواتی که به آن ها اصل می گفتند یاد داشت می کردند که تعداد آن ها تا ۴۰۰ اصل ذکر شده است. و اجماع علما بر صحت این روایات و اصول است.

مقدمه دوم: تمام این اصول در زمان تالیف کتب اربعه وجود داشته اند و کلینی و صدوق و طوسی احادیث این کتب را بی واسطه از همین اصول نقل کرده اند.^۴

طبق این دو مطلب روایات کتب اربعه را قطعی الصدور می دانند لذا در این رابطه به کلام محمد امین استرآبادی اشاره می شود:

طرق و اسنادی که در این کتب ذکر شده تنها برای تبرک و تیمم و برای دفع سرزنش اهل سنت است تا مبدا احادیث شیعه را بی اساس بخوانند.^۵

بیانی از آقای سبحانی:

ایشان در کتاب کلیات علم رجال می فرمایند: اخباری ها عقیده دارند روایات کتب اربعه قطعی هستند و به یقین از ائمه صادر شده اند و بررسی حال راویان از جهت وثاقت و عدم وثاقت برای حصول اطمینان به صدور روایات است و بنا بر این فرض که روایات این کتب قطعی الصدور هستند نیازی به علم رجال نداریم.^۶

^۱ ذکری الشیعه ج ۴ ص ۲۶۶

^۲ معجم رجال الحدیث ج ۱ ص ۸۷

^۳ جوابات المسائل التبانیه (رسائل الشریف المرتضی) ج ۱ ص ۲۶

^۴ شیخ بهائی الوجیزه فی الدرایه ص ۱۶

^۵ استرآبادی الفوائد المدنیه ص ۵۲

^۶ سبحانی ترجمه کلیات علم رجال ص ۳۴

اخباری ها این نگاه را نسبت به دیگر کتب حدیثی هم دارند که در این رابطه شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه از ۱۵۰ کتاب حدیث نقل کرده است که همه آن ها را از کتب مورد اعتماد شمرده و احادیث آن ها را صحیح و قطعی الصدور می داند. گه برخی از این کتب عبارتند از: معانی الاخبار، کمال الدین، عیون اخبار الرضا، الخصال، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، التوحید، عمل الشرايع، امالی صدوق، امالی مفید، کتاب الغیبه، الاحتجاج، تحف العقول.

پاسخ اصولیون به قطعی بودن روایات کتب اربعه:

اشکال به مقدمه اول:

اینکه پیشینیان به صحت روایات اصول چهار صد گانه قطع داشته اند، قطع هر کس برای خودش حجت است و قطع آن ها برای مجتهدین آینده حجت نیست افزون بر این باید دید اعتماد آن ها دقیقاً به چه چیزی تعلق داشته است. صرف اینکه گفته اند اصول چهار صد گانه مشهور و مورد اعتماد بوده مستلزم این نیست که تک تک احادیث آن ها شهرت داشته و مورد اعتماد بوده است و با آشنایی فضای تاریخی و قرائن موجود در آثار و کتب گویای این است که کل کتاب را معتبر می دانستند و توجیهی به وضعیت تک تک احادیث نداشته اند.

مطلب دیگر اینکه خود نویسندگان این کتب همه احادیث موجود در اصول اربعه را قطعی نمی دانسته اند: آنان گاهی در احادیث یکدیگر و حتی در حدیثی که خود نقل کرده اند خرده می گیرند و در صحتش مناقشه می کنند. روشن است که اگر روایات اصول چهار صد گانه را صحیح می دانستند و به صدور آن ها از معصوم قطع داشتند جایز نبود که در سند حدیثی مناقشه کنند که از همان اصول گرفته شده است. به علاوه وقتی بزرگانی چون طوسی و مفید که نزدیک به زمان تالیف اصول بوده اند احادیث آن ها را قطعی نمی دانسته اند و برای اطمینان از صحت حدیث تنها به این اطمینان نمی کردند که در یکی از اصول مشهور یا کتب اربعه نقل شده است. برای نمونه:

شیخ صدوق در باب میراث مجوسی می گوید: من به روایتی که فقط سکونی نقل کند فتوا نمی دهم.^۲

این مطلب در حالی است که سکونی دارای اصل بوده است. لذا نمی توان همه روایات کتب اربعه را صحیح دانست.

نمونه چنین مناقشه ای را در موارد متعددی از تهذیب الاحکام و الاستبصار می توان دید که شیخ طوسی در روایات کتاب من لایحضره الفقیه و یا کافی مناقشه کرده است و آن را ضعیف دانسته است. شیخ صدوق نیز در چندین جای کتاب من لایحضره الفقیه نسبت به اسناد روایاتی که از همان

^۱ وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۳۶

^۲ من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۲۴۹ ذیل حدیث ۸۰۴

کتب معتمد نقل کرده است خرده می گیرد و در بسیاری از موارد احادیث این اصول را تضعیف و طرح می کند برای نمونه : به کتاب من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۶۲ ذیل حدیث ۷۶۳ و ۷۶۴ و ج ۲ ص ۲۴۱ و ۲۴۲ ذیل حدیث ۱۱۵۴ و ص ۷۵ ذیل حدیث ۳۲۸ و ج ۴ ص ۲۵ ذیل حدیث ۵۸ می توان مراجعه نمود .

این شواهد دلالت دارند که احادیث کتب اربعه و اصول چهارصد گانه قطعی الصدور نیستند .

اشکال آقای سبحانی به قطعی بودن روایات کتب اربعه :

این ادعای بدون دلیل است زیرا چگونه می توان ادعا کرد که روایات کتب اربعه قطعی الصدور هستند و حال آنکه نویسندهگان این کتب چنین ادعائی نکردند . نهایت چیزی را که می توان به آن ها نسبت داد این است که آن ها عقیده به صحت اخبار کتاب های خود داشته اند ولی اعتقاد به صحیح بودن این اخبار با متواتر بودن روایات و یا یقین به صدور آن ها متفاوت است چرا که مقصود از صحت این است که اخبار این کتاب ها با قرائن و اماراتی همراه است که از مجموع آن ها برای انسان اطمینان به صدور آن ها از ائمه حاصل می شود و آنگهی ادله احکام شرعیه که در اخبار وارد از معصومین آمده است اختصاص به اخبار کتب اربعه ندارد از این رو چاره ای جز تحقیق و تفحص از احوال راویان حدیث نداریم صاحب کتاب وسائل الشیعه از هفتاد کتاب روایت نقل می کند که احادیث آن ها در کتب اربعه نیامده است و متاخرین نیز به اصول و کتاب هایی دسترسی پیدا کرده اند که حتی صاحب وسائل به آن ها دسترسی پیدا نکرده بود تا اینکه مرحوم محدث نوری بر همین اساس کتاب مستدک الوسائل را تالیف نمود و احادیثی را در آن گرد آورد که هیچ مجتهد و مستنبطی از آن بی نیاز نیست .^۱

اعتقاد اخباریان نسبت به تمسک به ظواهر قرآن

اخباریان در این بحث سه دسته می شوند :

دسته اول : اعتقاد دارند که ظواهر قرآن هم در احکام نظریه و هم در اصول دین حجت هستند و یکی از مدارک احکام شرعی را قرآن می دانند . مانند : محمد باقر مجلسی ، سید نعمت الله جزائری ، ملا محسن فیض کاشانی .

دسته دوم : منکر حجیت قرآن در احکام نظری هستند یعنی احکامی که مربوط به عمل نیستند و باید با استدلال اثبات شوند . مانند : درویش محمد بن حسن ، محمد امین استرآبادی ، شیخ حسن کرکی ، شیخ حر عاملی ، محمد تقی مجلسی ، فاضل تونی ، شیخ یوسف بحرانی .

دسته سوم : منکر حجیت ظواهر قرآن هستند و عمل به ظواهر را مشروط به تایید روایتی از معصومین می دانند . مانند : عبدالله بن صالح سماهیجی که تمام قرآن را متشابه می داند ، سید

^۱ سبحانی ترجمه کلیات علم رجال ص ۳۴

صدر الدین قمی همدانی که مخاطب قرآن را فقط ائمه می داند. ، سید جزائری صاحب کتاب جوامع الکلم که عقیده داشت حتی در فهم (قل هو الله احد) نیاز به روایت داریم چرا که معنی احدیت و فرق بین احد و واحد را نمی دانیم . این در حالی است که شیخ طوسی این آیه شریفه را از محکمت می داند و فاضل مقداد از نصوص^۱.

ادله دسته سوم و نقد آن :

دلیل اول : اختصاص فهم قرآن به ائمه

روایت امام صادق (ع) : ویلک ما جعل الله ذلک الا عند اهل الکتاب الذین انزل علیهم^۲.
ترجمه : وای بر تو معرفت و شناخت قرآن تنها در نزد اهل کتاب است که همان ها که قرآن بر آنان نازل شده است .

امام باقر (ع) : انما يعرف القرآن من خوطب به^۳.
ترجمه : قرآن را تنها کسی می شناسد که مورد خطاب آن واقع شده است .

^۱ کنزالعرفان ج ۱ ص ۴۷

^۲ وسائل السیعه ج ۱۸ ص ۳۰ باب صفات قاضی باب ح ۶ ص ۲۷

^۳ کافی ج ۸ ص ۳۱۲ ح ۴۸۶

فهرست منابع

قرآن کریم

- (۱) ابن ابي الحديد، ۱۳۸۷هـ، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، دار احياء التراث العربی، بيروت، چاپ دوم.
- (۲) آملی، شيخ محمد تقی، مصباح الهدی،
- (۳) ایجی، عضد الدین عبد الرحمن بن احمد، المواقف، بیروت، دار الجیل، الطبعة الاولى، ۱۹۹۷، ۳ مجلد،
- (۴) بهشتی ابراهیم اخباریگری (تاریخ و عقائد)
- (۵) جوابات المسائل التبانیات (رسائل الشریف المرتضی)
- (۶) بحرانی، یوسف بن احمد. محقق محمد تقی ایروانی، و عبدالرزاق مقرر. مقدمه نویس عبد العزیز طباطبایی. ۱۳۶۳ ه. ش.، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم - ایران، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسه النشر الإسلامی،
- (۷) حلّی حسن بن یوسف الالفین
- (۸) نوری، حسین بن محمد تقی. مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث. ۱۴۰۸ ه. ق.، مستدرک الوسائل، بیروت - لبنان، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث،
- (۹) دانش نامه شاهی
- (۱۰) شهید اول، محمد بن مکی. مجموعه من المحققین، و علی اوسط ناطقی، و دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. مرکز احیای آثار اسلامی. نویسنده رضا مختاری. ، ۱۴۳۰ ه. ق.، موسوعه الشهید الأول، قم - ایران، مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزة العلمیة. قم المقدسة. معاونیه الابحاث. مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیة،
- (۱۱) الذهبی ، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز (المتوفی : ۷۴۸هـ)، سیر اعلام النبلاء، محقق : مجموعه من المحققین یا شراف الشیخ شعیب الأرنؤوط، مؤسسه الرساله، سوم، ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م.
- (۱۲) مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی. محقق حسین موسوی کرمانی، و علی پناه اشتیاردی. نویسنده محمد بن علی ابن بابویه. ، ۱۴۰۶ ه. ق.، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ایران - بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور،
- (۱۳) سبحانی ترجمه کلیات علم رجال
- (۱۴) شکرى الالوسى ابوالمعالى محمود مسائل الجاهلیه التى خالف فیها رسول الله اهل الجاهلیه
- (۱۵) شهرستانی ملل و نحل

- ۱۶) مرعشی، نور الله، الصوارم المهرقه فی رد الصواعق المحرقة، تعداد جلد: ۱، نهضت، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۷) شیخ بهائی الوجیزه فی الدرايه
- ۱۸) شیخ مفید الافصاح فی الامامه
- ۱۹) مفید، محمد بن محمد. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی. ، ۱۴۱۰ ه.ق.، المقنعه، قم - ایران، جامعه مدرسین فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسه النشر الإسلامی
- ۲۰) [شیخ] مفید، محمد بن محمد، أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، تعداد جلد: ۱، المؤتمر العالمي للشيخ المفید، قم، ۱۴۱۳ ق، اول.
- ۲۱) طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۲۲) عبدالرحمن بن یحیی التنکیل بمافی تانیب الكوثری من الاباطیل
- ۲۳) علم الهدی سید مرتضی تنزیه الانبیا
- ۲۴) ۱ ستر آبادی، محمد امین بن محمد شریف. محقق رحمت الله رحمتی اراکی. نویسنده علی بن علی موسوی عاملی. ، ۱۴۲۶ ه.ق.، الفوائد المدنیة (الشواهد المکیة فی مداحض حجج الخیالات المدنیة)، قم - ایران، جامعه مدرسین فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسه النشر الإسلامی،
- ۲۵) کلینی، محمد بن یعقوب. مصحح محمد آخوندی، و علی اکبر غفاری. ، ۱۳۶۳ ه.ش.، الکافی (اسلامیه)، تهران - ایران، دار الکتب الإسلامیة.
- ۲۶) کثیری محمدالسلفیه بین اهل السنه و الامامیه
- ۲۷) کشف القناع
- ۲۸) فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله. محشی محمدباقر شریفزاده. مصحح محمدباقر بهبودی. ، ۱۳۷۳ ه.ش.، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران - ایران، مرتضوی،
- ۲۹) مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی. ، ۱۴۱۴ ه.ق.، لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه، قم - ایران، اسماعیلیان،
- ۳۰) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ ق.
- ۳۱) محقق حلّی، جعفر بن حسن. گروهی از نویسندگان، و ناصر مکارم شیرازی. ، ۱۳۶۴ ه.ش.، المعترف فی شرح المختصر، قم - ایران، مؤسسه سید الشهداء (ع).
- ۳۲) محقق حلّی عفرین حسن معارج الاصول
- ۳۳) مطهری اسلام و مقتضیات زمان
- ۳۴) المعالم الجدیده للاصول

۳۵) خوئی، سید ابوالقاسم. ، ۱۳۷۲ ه.ش.، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، [بی جا] - [بی نا].

۳۶) ابن بابویه، محمد بن علی. مصحح علی اکبر غفاری. مقدمه نویس علی اکبر غفاری. ، ۱۳۶۳ ه.ش.، من لا یحضره الفقیه، قم - ایران، جامعه المدرّسین فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی،
۳۷) صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر. محقق مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع). مقدمه نویس محمود هاشمی شاهرودی. نویسنده جعفر بن حسن محقق حلی. ، ۱۴۲۱ ه.ق.، جواهر الکلام (ط. الحدیث)، قم - ایران، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)،

۳۸) هدایه المسترشدين

۳۹) حر عاملی، محمد بن حسن. مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث. محقق محمدرضا حسینی جلالی. ، ۱۴۱۶ ه.ق.، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم - ایران، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث،